

عوامل مؤثر بر ایجاد و بازتولید نابرابری درآمد: مطالعه موردی هندوستان

فردین قریشی^{۱*}، محمدحسین محمدی^۲

^۱ استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دانش‌آموخته دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

نابرابری درآمد این روزها توجه اندیشمندان و حاکمان را به خود جلب کرده است. هریک از این گروه‌ها کوشیده‌اند از دریچه نگاه خود به علل پیدایش و پایداری نابرابری درآمد بپردازند. آغاز هزاره سوم با تشدید نابرابری‌های درآمدی در درون کشورها همراه بود، و تلاش‌های جامعه جهانی که پیش از آن توانسته بود در چارچوب سندهایی همچون اهداف توسعه هزاره و پایدار، فقر و گرسنگی مطلق را کاهش دهد، برای تعدیل نابرابری درآمد تاکنون ناکام مانده است. شناخت علل استمرار نابرابری درآمد در اقتصادهای مختلف در زمانی که نابرابری درآمد در اسناد مهمی همانند گزارش جهانی تهدیدها، همسنگ تروریسم برآورد شده است، اهمیت بسیاری دارد. مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی علل متنی، نهادی و جهانی پایداری نابرابری درآمد در کشور هندوستان است که به‌تازگی به نرخ رشد اقتصادی شگفت‌آوری رسیده است. از این‌رو، در پرسش اصلی مطرح می‌شود که چگونه رشد و توسعه اقتصادی به ایجاد و پایداری نابرابری درآمد در هندوستان منجر شده است. در فرضیه استدلال می‌شود که مهم‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر نابرابری درآمد در هندوستان، تأکید بر رشد اقتصادی و توجه ناکافی به برنامه‌های کاهش این گونه نابرابری است. از روش مطالعه تک‌موردی استفاده شد تا با تحلیل دقیق داده‌های آماری گردآوری‌شده از سوی پژوهشگران و ارائه‌شده در گزارش‌های بانک جهانی، افزون بر تحلیل شواهد و اسناد تاریخی، ابعاد مختلف نابرابری درآمد هند بررسی شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که هرچند عوامل گوناگونی همانند ریشه‌های نظام اجتماعی کاستی، رشد اقتصادی، جهانی‌شدن و ابزارهای آن در بازتولید نابرابری درآمد در هند مؤثر بوده‌اند، ولی دلیل اصلی تأثیرگذاری این عوامل را باید در تغییر اولویت‌های دولت هندوستان و کنارگذاشتن اجرای برنامه‌های فقرزدایی و همسان‌سازی درآمد جستجو کرد.

واژه‌های کلیدی: آزادسازی تجاری، جهانی‌شدن، نابرابری درآمد، نرخ رشد اقتصادی، نظام کاستی هندوستان

* نویسنده مسئول، رایانامه: ghoreishi3583@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ فروردین ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱

۱. مقدمه

کشور هندوستان طی سال‌های اخیر، همواره نرخ‌های بالای رشد اقتصادی را تجربه کرده است. کشوری که با در اختیار داشتن بزرگ‌ترین دموکراسی جهان، می‌کوشد خود را به جمع سه اقتصاد برتر جهان برساند و سال‌هاست در کنار این هدف بلندپروازانه، خواهان عضویت دائمی شورای امنیت نیز بوده است. تحولات در هند امروز به گونه‌ای است که اگر روزی نام آن با فقر و تنگدستی گره خورده بود، اکنون پیشرفت‌های اقتصادی و رنسانس علمی این کشور توجه همگان را به خود جلب کرده است. مدت‌هاست که سرمایه‌گذاری‌های خارجی بزرگ در این کشور امری عادی به‌شمار می‌آید و فروش کالاهای هندی در بازارهای جهان به‌شدت افزایش یافته است (ناظمان و اسلامی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

آنچه که امروز در اقتصاد دگرگون‌شده هندوستان مشاهده می‌شود، می‌توان نتیجه شتاب گرفتن اقدام‌هایی دانست که از نیمه دهه ۱۹۷۰ با تحول در نظام مالیاتی و اجرای برنامه‌های جدید سیاست اقتصادی برای کاستن از نقش دولت و تشویق به کارآفرینی و همچنین سرمایه‌گذاری‌های خارجی آغاز شده بود. با این حال نقطه عطف تحول اقتصادی در هند به ۱۹۹۱ و اجرای اصلاحات اقتصادی گسترده در این کشور بازمی‌گردد. در این سال، سرعت تغییر سیاست‌ها افزایش یافت و همزمان با تصویب برنامه‌های اصلاحات نئولیبرال، دوره‌ای از آزادسازی شدید اقتصادی و تغییر نگرش در زمینه مداخله دولت در اقتصاد آغاز شد؛ موضوعی که سرآغازی بر افزایش نابرابری‌های گسترده درآمدی شد که تاکنون ادامه دارد. ثابت ماندن نرخ مصرف سرانه قشر فقیر جامعه با وجود نرخ رو به رشد مصرف قشر ثروتمند خود گواهی بر این مدعاست (Seida & Hashmi, 2016: 8).

پایداری نابرابری‌های درآمدی در جامعه هندوستان با وجود تمامی پیشرفت‌های اقتصادی سه دهه اخیر آن، پرسش بزرگی را درباره علل آن در ذهن پژوهشگران ایجاد کرده است. مروری بر ادبیات موجود نشان می‌دهد صاحب‌نظران درباره نقش عواملی همچون دولت، بافت اجتماعی و عوامل جهانی به‌عنوان دلایل اصلی پایدار شدن نابرابری در هندوستان اختلاف‌نظر دارند. دسته نخست نقش دولت را پررنگ می‌دانند که از نمونه‌های آن می‌توان به پژوهش شراما و داهیا درمورد نابرابری درآمد در هند اشاره کرد، که انتقال فرصت‌ها و درآمدها از بخش غنی به فقیر جامعه را روشی کارا برای تعدیل نابرابری درآمد می‌دانند، و از دولت هندوستان به‌دلیل کم‌کاری در طرح و اجرای سیاست‌های مناسب برای رویارویی با نابرابری‌ها انتقاد می‌کنند. از دید آنها، بدون مداخله دولت، نابرابری درآمد کاهش پیدا نخواهد کرد، و این دولت است که می‌تواند و باید با سیاست‌های اقتصادی (مالی و پولی)، فرصت‌های شغلی بیشتری را برای فقرا ایجاد کند (Sharma & Dahiya, 2019: 12).

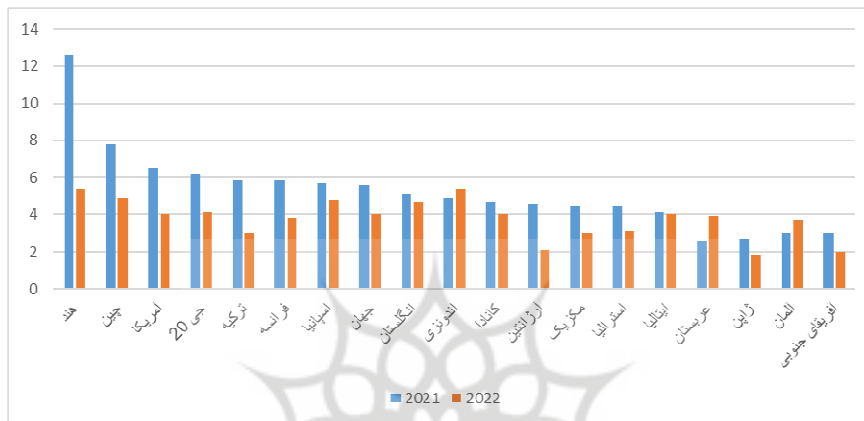
به بیان دیگر، استمرار نابرابری درآمد در هندوستان، نتیجه عملی نشدن وظایفی است که تنها در اختیار دولت است و می‌توان نتیجه گرفت که دولت خواسته یا ناخواسته بر طبل تشدید و استمرار نابرابری درآمد می‌کوبد. دسته دوم نظام کاستی و بافت اجتماعی و نژادی هندوستان را بر استمرار نابرابری مؤثر می‌دانند. مقاله «بررسی ریشه‌های نظام کاست در هند» از این دسته‌اند. نویسنده با تشریح ویژگی‌های نظام کاستی، به تلاش کاست‌های پایین‌تر برای رهایی از سلطه کاست‌های غالب پرداخته و بر این باور است با وجود اصلاح قانون اساسی هندوستان در جهت کاهش پیامدهای منفی نظام کاستی، ۹۰ درصد کاست‌های عادی ساکن در روستاها، زیر سلطه کاسبان و مالکان بوده و همچنان به لحاظ اقتصادی به کاست‌های بالاتر وابسته‌اند (معینی‌فر، ۱۳۹۱: ۹۹).

دسته سوم بر این باورند که فرایند توسعه و رشد اقتصادی در چارچوب همسانی‌پذیری با قواعد جهانی‌شدن عامل اصلی مؤثر بر استمرار نابرابری درآمد در جامعه هندوستان به‌شمار می‌رود. از نمونه این آثار می‌توان به «توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در هند» اشاره کرد که به شیوه تاریخی تطبیقی شرایط علی نابرابری درآمد و رفاهی در جامعه هندوستان بررسی شده است. پژوهشگران ضمن بررسی چگونگی برقراری رابطه توسعه و دموکراسی در جامعه رو به رشد هندوستان، نقش تعامل این دو عامل را در تعدیل یا کاهش نابرابری‌های منزلتی و درآمدی به آزمون می‌گذارند (مظلوم‌خراسانی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۲). در کنار این آثار می‌توان به گزارش‌هایی اشاره کرد که هرچند توجه ویژه‌ای به علل استمرار نابرابری درآمد در هندوستان نداشته‌اند، ولی حقایق دقیقی از آن ارائه می‌دهند. گزارش نابرابری هند که به همت اقتصاددان برجسته پیکتی در ۲۰۱۸ منتشر شد، از این دسته‌اند. براساس این گزارش رشد نابرابری درآمد در هندوستان چشمگیر بوده و سهم ۱ درصد بالای درآمدی این کشور در ۲۰۱۸ به بالاترین میزان خود (۲۲ درصد) رسیده است (Piketty & Saez, 2003: 29).

بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که هریک از آنها تنها از دیدگاه مشخصی به علل پایداری نابرابری درآمد در هندوستان پرداخته‌اند، در حالی که مقاله حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از روش پژوهش مطالعه تک‌موردی و تحلیل دقیق داده‌های کیفی و کمی گردآوری‌شده از سوی پژوهشگران دربرگیرنده آمارهای بانک جهانی، و نیز با تحلیل شواهد و اسناد تاریخی به بررسی ابعاد مختلف نابرابری درآمد هندوستان بپردازد. در نهایت به عواملی اشاره خواهد شد که هم به شکل مستقل و هم از راه تأثیرگذاری بر اراده دولت و اولویت کم بخشیدن به ایجاد برابری درآمد از سوی آن، بر فرایند بازتولید نابرابری درآمد در هندوستان تأثیر می‌گذارند. آنچه امروزه در هند بیش از همه نگاه‌ها را به خود جلب کرده است، خیز بلند آن برای رشد اقتصادی است. نمودار ۱ نشان می‌دهد براساس گزارش «سازمان همکاری و توسعه

اقتصادی^۱، رشد اقتصادی هندوستان در ۲۰۲۱ میلادی ۱۲/۶ درصد و در صدر کشورهای عضو گروه ۲۰ تخمین زده شده است که گویای ظرفیت بالای این کشور برای بازیابی سریع توان اقتصادی خود پس از بحران کروناست.

نمودار ۱. برآورد نرخ رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه بیست، در دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۲



منبع: (OECD, 2021)

آمارهای ثبت شده در سالهای پیش هم بیانگر نرخ بالای رشد اقتصادی هندوستان بوده است. ثبت سریع ترین رشد اقتصادی در سه ماهه نخست ۲۰۱۷ از سوی این کشور، نشان دهنده این ادعاست (کاوه و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۷۹). با وجود این عملکرد چشمگیر، جامعه هند همواره با پدیده نابرابری درآمد در شکل مزمن آن دست و پنجه نرم کرده است. ریشه های این نابرابری درآمد را می توان در عوامل نهادینه همانند فرهنگ کاستی یا عوامل اقتصادی و جهانی جست و جو کرد. بی گمان بررسی عنصر مهمی همچون نابرابری درآمد که خطری بالقوه برای جامعه رو به رشد هندوستان تلقی می شود، برای کشوری که قدرتی تأثیرگذار بر محیط پیرامونی خود به ویژه جنوب آسیا و اقیانوس هند است، اهمیت بسیاری دارد (شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

۲. نظام کاستی و بازتولید نابرابری درآمد در هندوستان

گوناگونی های قومی و نژادی به عنوان یکی از عناصر تفاوت در جوامع، نقش مهمی در ایجاد و بازتولید نابرابری بازی می کنند. به طور معمول مردم بومی بسیاری از کشورهای جهان از

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

پایگاه‌های اجتماعی کمتری برخوردارند و شاهد آن نظام کاستی در هندوستان یا نادیده گرفته شدن حقوق سرخ‌پوستان در امریکاست. بی‌تردید از آنجا که پایگاه اجتماعی افراد جامعه، امری زاده همان جامعه است، می‌تواند نقش پیش‌برنده یا آسیب‌زا در توسعه بازار کار و درآمد افراد داشته باشد. در این میان، نابرابری بر پایه قومی یا نژادی موجب می‌شود کسانی که به دسته‌های قومی و نژادی خاصی وابسته‌اند، از توانایی اقتصادی و سیاسی کمتری در جامعه خود برخوردار باشند. ویژگی‌های نژادی و قومی اینان همواره آنها را در موقعیت نامساعدتری در بازار کار قرار می‌دهد که بر پایه آن تبعیض در استخدام، ترفیع و درآمد پدید می‌آید. به سبب موقعیت مالی نامساعدتر، اینان توانایی دیدن دوره‌های آموزشی را که بر مهارت‌های کاری آنان بیفزاید ندارند، بنابراین به‌هنگام رقابت در بازار کار همیشه عقب می‌افتند (کمالی، ۱۳۹۲: ۳۰۳). به‌طور خاص، در هندوستان فرد با مهم‌ترین پایگاه خود یعنی تعلق به کاستی که از لحاظ نظری تغییرناپذیر است به‌دنیا می‌آید. این رسم با شدت هرچه تمام‌تر در محیط‌های روستایی اعمال می‌شود و آنجا در عمل هیچ‌کس نمی‌تواند اصل و نسبش را پنهان کند و برای امور معاش، هر شخص باید به مشاغل و حرفه‌هایی پردازد که کاست او تعیین کرده است. پایگاه اصلی در این نظام به معنای دقیق کلمه از راه واگذاری یا موروثی به‌دست می‌آید و نه از راه اکتساب. عمل نکردن به هریک از وظایف همچون پرداختن به حرفه سنتی مجاز برای هر کاست، ازدواج درون کاست، خوردن غذاهای تجویز شده و پرهیز از تماس با افراد کاست‌های پایین‌تر سبب طرد شخص از کاستش می‌شود (تامین، ۱۳۹۴: ۸۲).

به‌طور طبیعی تعلق ابدی به طبقه‌ای محروم از فرصت و امکان ارتقا، آموزش و کسب مهارت، به شکل خودکار تفاوت‌های درآمدی را موجب می‌شود. استمرار این تفاوت‌ها به دلیل پذیرش متنی آن، زمینه را برای پایداری نتایج آن نیز فراهم کرده است. بنابراین می‌توان گفت که طبقه‌بندی جامعه، از عناصر کلیدی حفظ نابرابری‌های درآمد در هند است. شرایط در جامعه هندوستان به‌گونه‌ای است که با گذشت سده‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی چشمگیر، کاست‌ها کاملاً با مرتبه اجتماعی خود سازگار شده‌اند و همین مسئله موجب می‌شود تا تقلایی برای تغییر کاست بین افراد و طبقات جامعه مشهود نباشد. برخلاف بسیاری دیگر از جوامع که تلاش می‌کنند تا وضع توزیعی موجود را بر هم بزنند، جامعه هند تمایل چندانی به تغییر چنین وضعی ندارد (ویر، ۱۳۸۴: ۴۶۸).

نقش دین هندو در تعریف این طبقه‌بندی اجتماعی هم مهم تلقی می‌شود، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت به‌طور کلی در بین ادیان جهان، دین هندو از نظر اعتقاد به نظام طبقاتی اجتماعی کاست دینی منحصر به فرد است. این اندیشه نظام کاستی در دوران استعمار نیز بدون تغییر باقی ماند و نظام اجتماعی همچنان مبنای مشروعیت‌بخش به نابرابری‌های طبقاتی در جامعه بود.

نکته مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت، تأثیر نظام کاستی در جلوگیری از همگرایی جوامع کارگری در هندوستان و ایجاد نظام‌های صنفی برای پیگیری حقوق شهروندی بود. به بیان روشن‌تر، جامعه هندوستان به دلیل ساختار کاستی از تشکیل ظرفیت‌های اجتماعی برای مطالبه‌گری جمعی و اعتراض به تفاوت‌های درآمدی و نابرابری‌های چندبعدی محروم است و همین مسئله موجب بازتولید فرایند طبقاتی و نابرابری به‌ویژه در حوزه درآمدی شده است.

احیای کاست با جنبه‌های چندگانه‌اش، پدیده‌ای جدید در دوره‌پسااستقلال هندوستان است. در نگاه کسانی که روابط طبقاتی را بخشی از تحلیل طبقاتی تلقی می‌کنند، طبقه به‌تنهایی در نتیجه‌تغییرات جدید ایجاد نمی‌شود؛ تغییرات در روابط سنتی کاست و طبقه - نه‌تنها در کاست - رخ داده و راه را برای پیدایش روابط طبقاتی هموار کرده است. بنابراین طبقات، به‌عنوان بخشی از نظام قشربندی اجتماعی، به همان شیوه‌ای یافت می‌شوند که کاست‌ها در جامعه هندوستان ریشه دوانده‌اند، و این موضوع بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد.

۱. ۲. ضمانت تداوم نظام کاستی و پایداری نابرابری‌ها در هندوستان

همان‌گونه‌که گفته شد در هند ضمانت‌های نیرومند رسمی و غیررسمی برای حفظ و تداوم امتیازهای بنیادی میان و درون کاست‌ها وجود دارد. برای نمونه، با همدستی قانون و آیین‌هاست که پاریاها (ناپاک‌ها) حق پرداختن به برخی مشاغل و حق نیایش در برخی معابد و حق حضور در ساعاتی معین در بین عموم را ندارند و حق داشتن نماینده در پارلمان هند از دهه ۱۹۶۰ به آنان اعطا شده است. برای پایداری این طبقه‌بندی، ضمانت اجرایی هم وجود دارد که به‌طور معمول می‌خواهد فردی را که پا از گلیم خود بیرون گذاشته و به حریم کاست بالاتر تجاوز کرده است، به مراعات قواعد و مقررات کاست خودش برگرداند (تامین، ۱۳۹۴: ۸۶). توزیع نامتناسب فرصت، ثروت و درآمد معلول طبیعی چنین محیط و زمینه فرهنگی خواهد بود. آمارها نیز با وجود تمامی پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی و فناورانه در جامعه امروز هندوستان، توزیع نابرابر درآمد و سیر مستمر آن را برپایه کاست تأیید می‌کند. جدول ۱ بیانگر توزیع نامتناسب درآمد بین طبقات اجتماعی مختلف در هندوستان است.

جدول ۱. تغییرات سهم درون‌کاستی ۱ درصد بالای درآمدی از درآمد ملی در هندوستان از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲

سال / کاست اجتماعی	۱۹۹۱	۲۰۰۲	۲۰۱۲
دیگر قبایل عقب‌مانده ^۱	-	۴۶/۲	۵۲
کاست‌های برنامه‌ریزی‌شده ^۲	۱۱/۹	۱۰/۸۳	۱۴/۴
قبایل برنامه‌ریزی‌شده ^۳	۱۰/۷	۱۵/۱	۱۹/۵
کاست‌های پیشرو ^۴	-	۱۳/۶	۲۹/۴

منبع: (Bhrati, 2018: 24)

جدول ۱ نشان می‌دهد که فاصله آشکاری برای افزایش میزان سهم درآمدی یک درصد بالای درآمدی در گروه موسوم به طبقه بالا وجود دارد. به بیان روشن‌تر، پردرآمدترین افراد مربوط به بالاترین طبقه اجتماعی در هندوستان، سهم خود را از درآمد ملی در مقایسه با دیگر اعضای کاست خود در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ به دو برابر رسانده‌اند که نشان‌دهنده شکاف فاحش درآمدی در جامعه امروز هند است. روی هم‌رفته می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری اجتماعی که با فرهنگ و نظام طبقاتی و کاستی در هندوستان پیوندی تاریخی دارد، همچنان نقش جدی در توزیع نابرابر درآمد بازی می‌کند.

۳. رشد اقتصادی و بازتولید نابرابری درآمد در هندوستان

رهایی هند از استعمار، تصمیم‌گیران و رهبران هند را متوجه موضوع‌ها و مشکلات جدی جدیدی کرد که تا آن زمان از آن بی‌خبر بودند. برای حل این مشکلات، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در صدر برنامه‌های دولت‌های هندی قرار گرفت. با این حال همانند بسیاری از کشورها، در هند نیز توزیع متناسب درآمد، قربانی رشد اقتصادی شده است، چون‌که آمار رشد اقتصادی — که معتبرتر و در دسترس‌تر نسبت به آمار نابرابری درآمد است — در حساب‌های ملی کشورها آورده شده و اغلب عملکرد دولت‌ها برپایه رشد اقتصادی سنجیده می‌شود، به‌طور معمول دولت‌ها، سیاست‌های خود را با اولویت رشد اقتصادی تعیین کنند (خالصی و پیرایی، ۱۳۹۳: ۱۵۶). این مسئله‌ای است که این روزها در هندوستان مشاهده می‌شود. درحالی‌که با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در هند، درآمد سرانه بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، حدود پنج برابر افزایش یافته است، ولی این افزایش همچنان در دستان افراد اندکی متمرکز است (Chaudhuri & Ghosh, 2021).

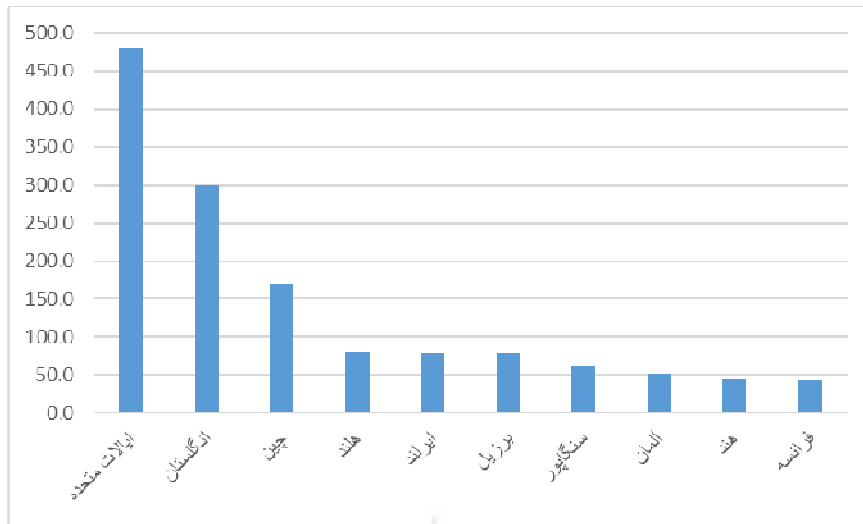
1. Other Backward Castes
2. Scheduled Castes
3. Scheduled Tribes
4. Forward Caste

بی‌گمان مهم‌ترین نگرانی سیاستمداران هندی از زمان استقلال در ۱۹۴۷، چگونگی دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بوده است. ده برنامه توسعه اقتصادی در این کشور از ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۷ اجرا شد تا آرزوها و امیدهای سیاستگذاران را تأمین کند. در برنامه اول (۱۹۵۶-۱۹۵۱)، کشاورزی و خدمات اجتماعی، در برنامه دوم و سوم (۱۹۵۶-۱۹۶۶) صنایع سنگین و زیربنایی، در برنامه چهارم و پنجم (۱۹۶۹-۱۹۷۹) ارتقای سطح زندگی، در برنامه ششم و هفتم (۱۹۸۹-۱۹۹۰) کشاورزی و توسعه روستایی در اولویت قرار گرفت (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۱۰). دهه ۱۹۹۰ در هندوستان نقطه عطفی تلقی می‌شود. آزادسازی تجارت، خصوصی‌سازی صنایع و کارخانه‌های دولتی، تجربه رشد سالیانه حدود ۷ درصد، مردمی شدن اقتصاد به شکل مستقیم در چارچوب طرح‌های زودبازده و کوتاه‌مدت و حتی اجرای طرح‌های کلان از این زمان و با حضور «معمار اقتصاد هند» یعنی منموهان سینگ^۱ آغاز شد. رشد تولید ناخالص داخلی هندوستان که طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ سالانه ۱/۲ درصد بود، در ۲۰۰۶ به ۸/۹ رسید، و این کشور را به دومین اقتصاد رو به رشد جهان تبدیل کرد (World Bank, 2018). فقر چندبعدی بر اثر ترکیب رشد اقتصادی سریع و سیاست‌های اجتماعی روند سریع کاهشی را نشان داد، و شمار مردم فقیر در هندوستان بین سال‌های ۲۰۰۵/۲۰۰۶ و ۲۰۱۵/۲۰۱۶ به کمابیش ۲۷۱ میلیون نفر رسید (Conceição, 2019: 56).

با این حال، بسیاری بر این باورند که مدل توسعه هندی با وجود عزم جدی برای رسیدن به توسعه متوازن در کنار رشد سریع اقتصادی، از سرعت کمتری برای توزیع متوازن فرصت‌ها برخوردار بوده، هرچند این مدل از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار بوده است (Bahl, 2012: 46). در نمودار ۲، هندوستان در بین ده اقتصاد میزبان برتر جهان قرار گرفته، که نشانگر امنیت و امکان سرمایه‌گذاری جذاب در این کشور برای شرکت‌های چندملیتی خارجی^۲ بزرگ است. در ادامه، با توجه به فرایند رشد اقتصادی و برنامه‌های توسعه اقتصادی هندوستان به بررسی اثر مثبت و منفی این عامل بر نابرابری درآمد می‌پردازیم. به‌طور کلی می‌توان گفت از مهم‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر نابرابری درآمد، رشد اقتصادی است. در فرضیه کوزنتس^۳ استدلال می‌شود که اگرچه این امکان وجود دارد که با افزایش درآمد و رشد اقتصادی، در کوتاه‌مدت وضعیت برابری درآمد بدتر شود، در بلندمدت، همواره رابطه‌ای معکوس میان رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی برقرار است (صادقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۲).

نمودار ۲. ده اقتصاد میزبان برتر جهان در ۲۰۱۶، برپایه میلیارد دلار

1. Manmohan Singh
2. Multinational Corporations (MNCs)
3. Kuznets Hypothesis



منبع: (UNCTAD, 2021)

با توجه به این فرضیه که از سوی اقتصاددان سیمون کوزنتس درباره رابطه غیرخطی (به شکل منحنی U وارونه) بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت چون مدت زیادی از رشد اقتصادی هندوستان نمی‌گذرد و این روند همچنان ادامه دارد، در کوتاه‌مدت تأثیر خود را به صورت افزایش نابرابری درآمد نشان داده است و می‌توان امیدوار بود در بلندمدت، که فرایند توسعه مراحل اولیه را طی کرده و نیروی کار تخصص لازم را به دست می‌آورد، هندوستان به کشوری با توزیع عادلانه درآمد تبدیل شود. در اینجا به بررسی این پرسش که چگونه رشد و توسعه اقتصادی به ایجاد و پایداری نابرابری درآمد در هندوستان منجر شده است، پرداخته می‌شود. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، توجه به سهم درآمدی به‌عنوان نمادی از مشارکت فردی و گروهی در اقتصاد، بخش مهمی از برنامه‌های پنج‌ساله اقتصادی را در هندوستان از ۱۹۵۰ تاکنون تشکیل می‌دهد. اصلاحات اقتصادی که از ۱۹۵۰ آغاز شد، در عمل بر این انگاره استوار بود که منافع حاصل از توسعه اقتصادی باید عاید طبقات کمتر برخوردار جامعه شود (Alam, 2016: 115).

طراحان برنامه‌های پنج‌ساله توسعه متوازن را تضمین‌کننده رشد اقتصادی می‌دانند، و علت اصلی نابرابری درآمد را وجود بیکاری و کم‌کاری فرض می‌کنند. دولت هندوستان در طی سال‌های اجرای سیاست اصلاح اقتصادی تلاش کرد از همان ۱۹۵۶ اقتصاد کشور را اجتماعی

کند^۱ تا سیاستگذاران عزم خود را برای حذف نابرابری نشان دهند. تأثیر عامل بیکاری و کم‌کاری بر توزیع نامتوازن درآمد یا نابرابری درآمد موجب شد تا اعضای کمیسیون برنامه‌ریزی هند^۲ تلاش کنند تا توسعه را از راه صنایع سنگین و زیربنایی دنبال کنند؛ و شعارهایی همانند گاریبی‌هاتائو^۳ و رشد با عدالت بر همین پایه در برنامه‌های بعدی نهادینه شده‌اند. در طول دو دهه نخست اجرای برنامه توسعه‌ای، طراحان به‌طور مشخص بر رشد اقتصادی تمرکز می‌کردند؛ پیش‌فرض آنها این بود که توسعه‌نیافتگی و فقر نمی‌تواند بدون رشد اقتصادی درمان شود، ولی شکست «نظریه قطره پایین»^۴، سیاستگذاران هندی را متقاعد کرد که انگاره توسعه و رشد نمی‌تواند موجب عدالت برای فقرا شود، و در نتیجه دولت باید برای توزیع دستاوردهای رشد اقتصادی بین فقرا تلاش کند. برای این منظور دولت شماری طرح‌های اقتصادی برای فقرزدایی و بهبود اشتغال ارائه کرد. بررسی میزان تغییرات نرخ رشد اقتصادی هند نشان می‌دهد، که در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۴ این کشور رشد اقتصادی رو به بالایی را شاهد بوده است. افزون بر این، مقایسه آن با نحوه توزیع درآمد و ثروت برپایه ضریب جینی نشان می‌دهد که در عمل رشد اقتصادی در بیشتر اوقات و نه در همه سال‌ها کمکی به کاهش نابرابری درآمد نکرده، و نرخ توزیع نامتوازن درآمد همچنان بالاست. رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در هندوستان بی‌گمان باید بخشی دیده شود. برای نمونه، رشد بخش کشاورزی تأثیر خود را بر توزیع درآمد در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ و زمانی که رشد اقتصادی به ۵/۲۸ درصد رسید، نشان داد. در دهه ۱۹۸۰ که نرخ رشد اقتصادی در مناطق روستایی بیشتر از نرخ میانگین رشد اقتصادی هندوستان بود، نتایج مطلوبی در زمینه توزیع درآمد به‌دست آمد. این مسئله موجب شد تا در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، رشد اقتصادی ۵/۶ درصدی در هندوستان که بخش زیادی از آن ناشی از رشد بخش کشاورزی بود، به ثبت کمترین میزان ضریب جینی در این سال‌ها منجر شود (Alam, 2016: 118).

سیاست‌های جدید اقتصادی هندوستان که در ۱۹۹۱ آغاز شد، دربرگیرنده «جهانی‌سازی»، «آزادسازی» و «خصوصی‌سازی» بود که هر کدام به شیوه‌ای تأثیر خود را بر افزایش نابرابری می‌گذاشتند. البته در ادامه و با معرفی طرح اصلاحات اقتصادی، افزایش نابرابری‌ها در توزیع درآمد مشهود بود، به‌گونه‌ای که ضریب جینی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به ۸۸.۲۹ درصد

۱. به‌نظرمیرسد منظور از اجتماعی‌شدن اقتصاد در اینجا توجه به عناصر اجتماعی اقتصاد همانند نابرابری‌های درآمدی و طبقاتی است.

2. Planning Committee (PC)

۳. به معنای «فقر را حذف کنید»، که شعار انتخاباتی ایندیرا گاندی در مبارزات انتخاباتی ۱۹۷۱ بود.
 ۴. trickle-down theory نظریه‌ای که در آن فرض می‌شود سیاست‌های اقتصادی که به رشد درآمد ثروتمندان منجر می‌شوند، به بهره‌مندی فقرا از رفاه کمک می‌کنند.

رسید. آمارها نشان می‌دهد که با وجود رشد چشمگیر حدود ۶ درصدی نابرابری درآمد برپایه ضریب جینی، روند افزایشی آن تا ۱۹۹۸ ادامه یافت. از این رو، می‌توان گفت کاهش نابرابری درآمد در مناطق روستایی پس از تصویب طرح اصلاحات اقتصادی جدید شکست‌خورده تلقی می‌شد. پس از دو سال و در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ ضریب جینی کم شد، و توزیع درآمد و ثروت بهبود یافت، ولی بررسی‌های بعدی در ۲۰۰۵ بیانگر افزایش نابرابری و ضریب جینی است. هندوستان پیش از آن در ۱۹۸۳ رشد گسترده اقتصادی را تجربه کرده بود، ولی این رشد ۷/۵ درصدی تأثیری بر کاهش اختلاف درآمد در مناطق شهری نگذاشت و ضریب جینی به ۳۳/۷ دهم درصد افزایش یافت. در همین دوران شکاف بین فقیر و غنی در مناطق شهری همچنان مشهود بود و کاهش نرخ رشد اقتصادی به ۴/۳ دهم درصد در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ نیز تأثیر خود را بر توزیع درآمد گذاشت (Alam, 2016: 118-119).

در این سال‌ها پیش‌آمد مهم دیگری نیز رخ داد؛ رشد بخش مالی و خدمات به دو برابر میزان رشد بخش تولید موضوع جدیدی بود که آن را می‌توان به راکد بودن سطح نابرابری در بازه زمانی بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ نسبت داد. در این دوره، توزیع درآمد در هندوستان بسیار ناعادلانه بود، و ضریب جینی به‌طور میانگین در مناطق مختلف این کشور به عدد ۳۵/۵ درصد افزایش یافت. البته در این بین نمی‌توان نقش رشد اقتصادی را جدی ارزیابی کرد، چراکه در همین دوره رشد اقتصادی سالانه به ۶/۲۵ درصد رسید و شکاف بین نرخ رشد بخش تولید از یک سو و امور مالی و خدماتی از سوی دیگر نیز عمیق نبود. یک سال پس از آن در حالی که کشور هندوستان نرخ رشد ۵/۶ درصدی را تجربه کرد، سهم بخش تولید و بخش مالی و خدمات به هم نزدیک شدند و به عددی برابر با ۷/۷ رسیدند. این موضوع اخیر ممکن است دلیلی برای کاهش نابرابری‌ها تلقی شود، چراکه بر اثر نزدیک شدن سهم این دو بخش، رشد یکسان در بخش تولید فراهم شده و فرصتی برای کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر نیز در مناطق شهری برای افزایش درآمد خود حاصل شده است. با این حال، در آن سال‌ها کسری مالی رو به رشد، بودجه کشور را زیر فشار قرار داد، به گونه‌ای که بسته‌های اصلاحاتی، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ نهاد. در دو سال بعدی، شکاف بین غنی و فقیر در مناطق شهری در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ با وجود نرخ رشد کلی ۵/۳۶ درصدی افزایش یافت. همچنین برخی سیاست‌های شفاف‌بخش برای بهبود توزیع درآمد اجرا شد که موفقیت‌آمیز بود؛ و در نتیجه، نرخ رشد نزدیک به ۶ درصدی را نشان داد. در این سال‌ها، نرخ ضریب جینی به ۳۳/۴ کاهش یافت، ولی دوباره در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ ضریب جینی افزایشی برابر با ۲ درصد داشت؛ و با وجود رشد چشمگیر ۷/۳ درصدی کل اقتصاد و ۱۲/۳ درصد در بخش تولید، فاصله بین فقیر و غنی همچنان افزایشی شد. در این

سال‌ها، بار دیگر رشد شدید بخش مالی و خدمات کمابیش به سه برابر رشد در بخش تولید رسید، و همین مسئله موجب بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد شد به گونه‌ای که رشد اقتصادی ۴/۳ درصدی هم نتوانست به رشد برابری درآمدی در مناطق شهری کمک شایانی کند (Alam, 2016: 118).

بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشور هندوستان و رابطه معنادار آن با تغییرات نابرابری درآمد بیانگر آن است که برنامه‌های اصلاحات اقتصادی در این کشور دارای تأثیر مثبت و مستقیم بر افزایش نابرابری درآمد بوده‌اند. هرچند این تأثیر سوء در توزیع درآمد ممکن است به دلیل تغییر در ترکیب رشد تولید ناخالص داخلی باشد، همان‌گونه که مشاهده شد، با افزایش نرخ سهم خدمات در رشد اقتصادی کلی کشور نابرابری درآمد افزایش یافته است.

۴. اصلاحات ارضی در هندوستان و تأثیر آن بر نابرابری درآمد

عامل دیگری که در چارچوب اصلاحات اقتصادی در هندوستان برای توزیع برابر درآمد و کاهش نابرابری درآمد انجام شد، پروژه اصلاحات ارضی بود که دولت هندوستان آن را در ۱۹۵۰ آغاز کرد. این طرح با هدف بهره‌مندی کشاورزان کوچک و حاشیه‌ای از درآمد حاصل از زمین کشاورزی اجرا شد. تا آن زمان سیستم زمین‌داری از عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد و ثروت به‌ویژه در مناطق روستایی به‌شمار می‌رفت. با وقوع انقلاب سبز در دهه ۱۹۶۰ و افزایش چشمگیر بهره‌وری بخش کشاورزی و درآمدهای حاصل از آن، تحولات جدیدی در عرصه توزیع درآمد حاصل شد، و نابرابری درآمد در مناطق روستایی کاهش یافت. با این حال، یک عامل همیشگی در پایداری تفاوت درآمدی در مناطق روستایی همچنان خودنمایی می‌کرد. در فصل برداشت، عرضه محصولات کشاورزی در روستاها افزایش می‌یابد و به‌خودی خود عرضه به‌صورت عمده خواهد شد. با توجه به اینکه به‌طور معمول قشر روستایی از توان نگهداری و انبار محصولات خود برخوردار نیست، واسطه‌ها و برخی زمین‌داران بزرگ محصول آنها را با قیمت بسیار پایین می‌خرند، و پس از مدتی با قیمت بیشتر و زمانی که آنها در بازار کمتر وجود دارند، می‌فروشند. این روند پیوسته طی سال‌ها موجب شده است سهم درآمدی دو طرف تفاوت آشکاری از این تولید داشته باشد (Alam, 2016: 122). به بیان دیگر، انتقال این محصولات از بازار روستایی به بازار شهری سود بسیار بیشتری را برای واسطه‌ها فراهم خواهد کرد و قشرهای ضعیف کشاورز از آن بهره‌ای نخواهند داشت (Alam, 2016: 123).

از سوی دیگر، نظریه فردگرایی زمینه مشروعیت بخشیدن به مالکیت خصوصی را در هندوستان فراهم کرد و آن را مجاز دانست. در نتیجه آن، سرمایه‌داران توانستند با برخورداری

از حجم بالای امکانات، دارایی‌های بزرگی در بخش‌های صنایع، تجارت و ساختمان به دست آورند، و نظارت خود را بر جریان توزیع مستحکم کنند. حجم بیشتر این برخورداری موجب شد تا طبقه سرمایه‌دار دسترسی بیشتری به تمامی امکانات داشته باشند و املاک بیشتری را با رانت و کلاهبرداری به دست آورند. همین موضوع خود عامل جدی دیگری برای پایداری و تعمیق شکاف بین فقیر و غنی شد. روی هم رفته می‌توان گفت بیش از نیم قرن اقدام‌های دولت‌های مختلف هندوستان در مسیر توسعه اقتصادی در چارچوب طرح‌هایی همانند اصلاحات ارضی و برنامه‌های مختلف به نابرابری درآمد دامن زده، و شرایط امروز این کشور در نابرابری درآمد همان شرایط دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است. الگوی نابرابری نیز پس از گذشت ۶۰ سال از استقلال هندوستان تغییری نکرده است. همچنان سطح نابرابری در توزیع درآمد در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری پایین است، و بخش‌های مختلف خدماتی، کشاورزی، صنعتی و مالی در توزیع نابرابر درآمد نقش مؤثری دارند.

آنچه در روند کلی رشد اقتصادی هندوستان مشهود است، به‌ویژه پس از ۱۹۹۱، هیچ نشانه مشخصی از بهبود توزیع درآمد در مناطق مختلف دیده نمی‌شود و الگو به نظر همان الگوی پیشین است. البته تا حدی بالا و پایین رفتن نرخ رشد بخش کشاورزی بر توزیع نابرابر درآمد در مناطق روستایی تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که روند نابرابری درآمد همچنان افزایشی است. می‌توان نتیجه گرفت با وجود رشد اقتصادی هندوستان، این کشور نتوانسته در توزیع درآمد موفق عمل کند و همچنان شاهد بازتولید نابرابری درآمد در این کشور هستیم.

۵. جهانی‌شدن و بازتولید نابرابری درآمد در هند

جهانی‌شدن به معنای شکلی از رفتار جهانی است که در سایه برخی همکاری‌های جمعی بین کشورها، می‌تواند نتایج مثبتی را به ارمغان آورد (Bhatia & Panneer, 2019: 2). هواداران این روند، توسعه همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه در اقتصاد و کمرنگ شدن تمایزها و منشأ اختلاف‌ها را از جمله دیگر مزیت‌های آن می‌دانند. مخالفان نیز، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای ضعیف‌تر به نفع افزایش درآمد کشورهای توسعه‌یافته را از مهم‌ترین معایب آن بر می‌شمرند. با پیدایش این پدیده، زمینه حضور هندوستان در این عرصه نیز فراهم شد و دولت‌های مختلف هندوستان آن را ابزاری برای رشد اقتصادی و افزایش میزان تولید ناخالص داخلی دانستند. با این حال، دلایل پرشماری وجود دارد که همراهی با روند جهانی‌شدن از سوی دهلی‌نو و بهره‌گیری از ابزارهای آن همانند خصوصی‌سازی و آزادسازی تجاری به نابرابری درآمد در این کشور دامن زده است.

در هندوستان، اگرچه ادعاهایی مبنی بر کاهش نابرابری در دوره پس از خصوصی‌سازی وجود دارد، اصلاحات، سطح نابرابری درآمد را افزایش داد. اگرچه اقشار ثروتمند در دوره پس از آزادسازی توانستند بر ثروت خود بیفزایند، قشر فقیر جامعه به شدت از این امر آسیب دید و بیشتر آنها دچار رکود درآمدی شدند. افزون‌بر این، در فرایند آزادسازی تجاری، ورود سرمایه‌های مستقیم خارجی به هندوستان تنها سبب افزایش ناخالص سرمایه داخلی شده است که این سرمایه‌ها به جیب شماری اندک که از نظر پراکندگی جغرافیایی نیز محدود بود، ریخته شد؛ امری که موجب افزایش نابرابری‌های بین ایالتی و بین‌بخشی در این کشور شد (Seida & Hashemi, 2016: 13). بحران اقتصادی سال ۱۹۹۱، روند آزادسازی مالی را تسریع کرد که از سوی دولت هندوستان در نیمه دهه ۸۰ میلادی اتخاذ شده بود. بدترین تأثیر این آزادسازی مالی بر نابرابری ناشی از اتخاذ تصمیم‌هایی بود که قوانین وام گرفتن «بخش‌های اولویت‌دار» برای بانک‌های ملی را تسهیل می‌بخشید. تا اواخر همان دهه، بانک‌های ملی ملزم به اعطای وام به این بخش‌های هدف بودند؛ ولی تعریف بخش اولویت‌دار پس از دوره پساآزادسازی گسترش یافت که فعالیت‌های بیشتری را در برمی‌گرفت و بر تغییر بانکداری تأکید داشت.

در نتیجه این تغییر رویکرد، بیشتر بانک‌ها از دادن اعتبارات و وام‌ها به کشاورزان خرده‌پا و صنایع با مقیاس کوچک خودداری کردند، چراکه از نظر آنها، این گروه‌ها مشتریانی کم‌ارزش و نامعتبر تلقی می‌شدند. روشن است که این امر تأثیر فراوانی بر بقا و ترویج کسب‌وکارهای کوچک داشته و در بسیاری از مواقع حکم مرگ و زندگی را برای آنها دارد. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم چنین گروه‌هایی بزرگ‌ترین مجموعه کارآفرینان کشور را تشکیل می‌دهند، و چنین سیاست‌هایی در چارچوب خصوصی‌سازی تا چه اندازه هرچند به‌طور غیرمستقیم بر توزیع درآمد و کاهش نرخ فقر اثرگذارند (Seida & Hashemi, 2016: 9). بی‌شک از دیدگاه نظری، جهانی‌شدن با ابزارهایی همانند آزادسازی تجاری، دارای منافع در رشد، اشتغال و توزیع درآمدهاست. گرچه از آنجا که اصلاحات در مسیر تسهیل جهانی‌شدن تنها در بخش‌های محدودی انجام‌شده، آزادسازی‌های تجاری و اقتصادی زمینه‌ساز شکاف شدید بین دو طبقه فقیر و غنی شده است. در حقیقت، خطر بی‌توجهی به توزیع متناسب و برابر درآمد برای جامعه هندوستان به‌اندازه‌ای است که ممکن است در آینده باعث از بین رفتن رشد اقتصادی چشمگیر سال‌های اخیر این کشور شود (Ganguly, 2003: 1).

۶. نتیجه

رشد روزافزون نابرابری درآمد درون و میان کشورها، با وجود نرخ بالای رشد اقتصادی و کاهش چالش‌هایی همچون فقر مطلق و گرسنگی، نگرانی‌های را در جوامع ایجاد کرده است. در این میان کشور هند نیز با وجود نرخ رشد بسیار بالای اقتصادی، نابرابری درآمد بی‌سابقه‌ای

را تجربه می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این نابرابری درآمد، ناشی از سه گونه علت است؛ نخست علل متنی و فرهنگی که نظام طبقاتی یا کاستی هند مهم‌ترین نماد آن است. دوم، دلایل مبتنی بر نقش‌آفرینی دولت که برنامه‌های توسعه اقتصادی و اصلاحات ارضی را می‌توان مهم‌ترین آنها برشمرد. سوم، علل جهانی که در فرایند جهانی‌شدن و ابزارهای آن یعنی خصوصی‌سازی، آزادسازی تجاری و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی متبلور شده است. بی‌شک با وجود ریشه‌های عمیق تاریخی بافت کاستی جامعه هندوستان و عزم جدی سیاستمداران هندی برای بهره‌گیری از ظرفیت جهانی‌شدن برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا، کاهش نابرابری درآمد در این کشور تا اندازه زیادی قربانی توسعه و نرخ بالای رشد اقتصادی شود. نکته مهم‌تر اینکه این عوامل اثرگذار سبب شده‌اند که در عمل کاهش نابرابری درآمد از اولویت‌های دولت ملی در هند خارج شود، و در حاشیه قرار گیرد. تا زمانی که دولت هندوستان، به رشد و توسعه اقتصادی و بهره‌گیری از ظرفیت جهانی‌شدن برای تحقق حداکثری آن تا این اندازه اهمیت می‌دهد، کاستن از نابرابری‌های درآمدی این کشور تا آینده نزدیک متصور نخواهد بود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف (فارسی

۱. اخوان کاظمی، مسعود؛ پروانه عزیز. (۱۳۹۲) «تحلیل اقتصاد سیاسی توسعه در هند»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، ۴، ۱۴: ۷-۳۲، <DOI:10.22111/JSR.2013.855>
۲. خالصی، گلنار؛ خسرو پیرایی. (۱۳۹۵) «رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمد بین استان‌های ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۲، ۱۶: ۱۷۲-۱۵۵. در: <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-9675-fa.html> (۱۰ فروردین ۱۴۰۰).
۳. شفیع، نوذر. (۱۳۹۶، بهار و تابستان) «همکاری آمریکا و هند در بازی بزرگ قدرت در آسیای مرکزی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۰، ۱: ۱۱۶-۱۰۱، <DOI: 10.22059/JCEP.2017.62902>
۴. صادقی، حسین و دیگران. (۱۳۸۸، تابستان) «رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۸، ۳۳: ۲۷-۴۴. در: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1856-fa.html> (۹ اسفند ۱۳۹۹).

۵. کاوه، اسداله؛ طاهره محمدی. (۱۳۹۷، بهار) «روابط هند و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک»، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۲، ۱: ۱۹۶-۱۶۳. در: http://fp.ipisjournals.ir/article_33102.html (۶ بهمن ۱۳۹۹).
۶. کمالی، علی. (۱۳۹۲) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی. تهران: انتشارات سمت، ج ۶.
۷. معینی‌فر، حشمت‌السادات. (۱۳۹۱، بهار) «بررسی ریشه‌های نظام کاست در هند»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، ۴، ۱۰: ۹۱-۱۰۸. <DOI: 10.22111/JSR.2012.830>
۸. مظلوم‌خراسانی، محمد؛ مژگان عظیمی‌هاشمی. (۱۳۹۱، مهر) «توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در هند»، مجله مطالعات جهان، ۹، ۲: ۷-۴۸. <DOI:10.22059/jwsq.2012.24779>
۹. تاملین، ملوین ماروین. (۱۳۹۴) جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی: صورت‌ها و کارکردهای نابرابری، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
۱۰. ناظرمان، حمید؛ علی‌رضا اسلامی‌فر. (۱۳۸۹) «اقتصاد دانشی هند، الگویی برای توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، ۲، ۳: ۱۶۹-۱۴۵. <DOI: 10.22111/JSR.2010.393>
۱۱. وبر، ماکس. (۱۳۸۴) دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات هرمس، ج ۲.

ب) انگلیسی

12. Alam, Dastgir. (2016, July) "Impact of Economic Growth on Income Inequalities," *International Research Journal of Human Resources and Social Sciences* 3, 7: 112-125. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/325656279> (Accessed 21 March 2021).
13. Bahl, Raghav. (2012) *Super Power? Amazing Race between China's Hare and India's Tortoise*. London, UK: Penguin.
14. Bhatia, Shweta Malhotra; and Sigamani Panneer. (2019) "Globalization and its Impact on Business Education in Emerging Economies: A Case of India," *South Asian Journal of Human Resources Management* 6, 2: 278-291, <10.1177/2322093719838076>.
15. Bharti, Nitin Kumar. (2018) "Wealth Inequality, Class and Caste in India, 1951-2012," (piketty.pse.ens.fr) *Paris School of Economy*. Available at: <http://piketty.pse.ens.fr/files/Bharti2018.pdf> (Accessed 21 March 2021).
16. Chaudhuri, Dibyendu; and Parijat Ghosh. (2021, March) "Why Inequality is India's Worst Enemy?" *Down to Earth*. Available at: <https://www.downtoearth.org.in/blog/economy/why-inequality-is-india-s-worst-enemy-75778> (Accessed 21 March 2021).
17. Conceição, Pedro. (2019) *Beyond Income, Beyond Averages, Beyond Today: Inequalities in Human Development in the 21st Century*. New York: UNDP.
18. Ganguly, Sumit. (2010) *India's Foreign Policy: Retrospect and Prospect*. New Delhi: Oxford University Press.
19. OECD. (2021) *OECD Economic Outlook, Interim Report March 2021*. Available at: https://www.oecd-ilibrary.org/economics/oecd-economic-outlook_16097408 (Accessed 12 January 2021).
20. Piketty, Thomas; and Imanuel Saez. (2003) "Income Inequality in the United States 1913-1998," *Quarterly Journal of Economics* 118, 1: 1-41. Available at: <https://eml.berkeley.edu/~saez/pikettyqje.pdf> (Accessed 21 December 2020).
21. Seida, Ashish; and Nazia Iqbal Hashmi. (2016) "Rising Inequality in Shining India," *International Research Journal of Finance and Economics* 150, 1: 7-15. Available at: <https://ssrn.com/abstract=3140047> (Accessed 7 November 2020).

22. Sharma, Rajesh; and Suman Dahiya. (2019) "Linkage between Financial Development and Income Inequality in India," *Journal of Economic Structures* 1-12, <DOI:10.21203/rs.3.rs-64122/v1>.
23. UNCTAD. (2021) *World Investment Report 2020*. Available at: https://unctad.org/system/files/official-document/wir2020_en.pdf (Accessed 18 November 2021).
24. World Bank. (2018) *Gini Index World Bank Estimate*. Available at: <http://iresearch.worldbank.org/PovcalNet/index.htm> (Accessed 11 February 2021).





Research Paper

Factors Influencing and Reproducing Income Inequality: A Case Study of India

Fardin Ghoreishi^{1*}, Mohammad Hossein Mohammadi²

¹ Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² A PhD Candidate in International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran

Received: 10 April 2021, Accepted: 12 September 2022

© University of Tehran

Abstract

Income inequality has attracted a lot of serious attention of policymakers, ruling elites, and scholars. Each of these three groups has tried to identify the causes of occurrence and continuity of this type of inequality from their own perspectives, and provide solutions to mitigate it. The beginning of the third millennium was accompanied by an intensification of inter-country, and intra-country income inequalities to such an extent that the efforts of the international community—which had previously been able to reduce poverty and absolute hunger in the framework of documents such as the Millennium Development Goals (MDGs) and Sustainable Development Goals (SDGs)—have failed to alleviate them. Despite the economic progress of the last three decades, the persistence of income inequality in the Indian community has raised a big question about its underlying causes in the minds of some researchers. A careful literature review shows that experts regard government's policy priorities and choices, unequal social system, and global environment as factors leading to the persistence of inequality. Identifying the causes of the emergence and perpetuation of income inequality in different economies is crucial. In fact, the threats posed by this type of inequality are considered as serious as the risks of terrorism as specified in key documents such as the Global Threat Report.

The main objective of this study is to examine the causes of continuing income inequality in India, which has lately recorded a remarkable economic growth rate. Indeed, India has consistently experienced high growth rates over the past few years. This country which is often called the world's largest democracy, is trying to be recognized as one of the top three economies in the world. Its other ambitious goal is to become a permanent member of the Security Council. Economic and scientific development of India have attracted universal attention these days, in spite of the fact that its name was associated with widespread poverty in the past. Exports of Indian goods

* Corresponding Author Email: ghoreishi3583@ut.ac.ir

to the international markets have sharply increased. It has been argued that a set of factors including social system deficiencies, unbalanced economic growth, and globalization through such policies as privatization and trade liberalization have contributed to the persistence of inequality in Indian society. It seems that different political leaders and decision-makers who have formed governments in India in the past few years have given priority to rapid economic growth instead of reducing income inequality. The continuity of this trend will be problematic because the issue of rising income inequality within and between countries has been a cause for concern in other societies, which have succeeded in achieving high rates of economic growth and even reducing absolute poverty and hunger. The key research question is: How has economic growth and development led to the rising of income inequality in India? In the hypothesis, it is argued that the most important factors affecting income inequality in India are the governmental emphasis on economic growth and insufficient attention to programs aimed at reducing inequalities. A single-case study method was used to analyze the various dimensions of India's income inequality using data collected by the various researchers and presented in the World Bank reports, in addition to the analysis of historical evidence and documents.

The findings of the article show that India's unprecedented income inequality is because of three types of causes: 1) The socio-cultural causes of which the caste system of India is the most important one; 2) The political causes which include public policies formulated and implemented by the government such as economic development programs and land reform; and 3) The global causes like those associated with the process of globalization and its instruments (i.e., privatization, trade liberalization, and foreign investment). It is clear that India's caste system (old system of social hierarchy) and the serious determination of the Indian government to take advantage of globalization to achieve higher economic growth remain the main obstacles to the reduction of income inequality in this country which has largely been preoccupied with rapid economic growth at the expense of lessening the growing inequalities. As long as the Indian government emphasizes economic growth and development through globalization, it will not be possible to reduce its income inequalities in the near future.

Keywords: Economic Growth Rate, Globalization, Income Inequality, India Caste System, Trade Liberalization

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-6711-0031>

References

Akhavan Kazemi, Masood; and Parvaneh Azizi. (2013) "Tahlil-e eghtesād-e siyāsi tosēh dar hend (An Analysis of Political Economy of

- Development in India)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e shebhe'ghāreh (Journal of Subcontinent Research)* 4, 14: 7-32, <DOI:10.22111/JSR.2013.855>. [in Persian]
- Alam, Dastgir. (2016, July) "Impact of Economic Growth on Income Inequalities," *International Research Journal of Human Resources and Social Sciences* 3, 7: 112-125. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/325656279> (Accessed 21 March 2021).
- Bahl, Raghav. (2012) *Super Power? Amazing Race between China's Hare and India's Tortoise*. London, UK: Penguin.
- Bhatia, Shweta Malhotra; and Sigamani Panneer. (2019) "Globalization and its Impact on Business Education in Emerging Economies: A Case of India," *South Asian Journal of Human Resources Management* 6, 2: 278-291, <10.1177/2322093719838076>.
- Bhrti, Nitin Kumar. (2018) "Wealth Inequality, Class and Caste in India, 1951-2012," *Paris School of Economy (piketty.pse.ens.fr)*. Available at: <http://piketty.pse.ens.fr/files/Bhrti2018.pdf> (Accessed 21 March 2021).
- Chaudhuri, Dibyendu; and Parijat Ghosh. (2021, March) "Why Inequality is India's Worst Enemy?" *Down to Earth*. Available at: <https://www.downtoearth.org.in/blog/economy/why-inequality-is-india-s-worst-enemy-75778> (Accessed 21 March 2021).
- Conceição, Pedro. (2019) *Beyond Income, Beyond Averages, Beyond Today: Inequalities in Human Development in the 21st Century*. New York: UNDP.
- Ganguly, Sumit. (2010) *India's Foreign Policy: Retrospect and Prospect*. New Delhi: Oxford University Press.
- Kamali, Ali. (2013) *Moghadameh' ī bar jāme'eh'shenāsi-ye nā'barābari'hā-ye ejtemā'i (An Introduction to the Sociology of Social Inequalities)*. Tehran: Samt, 6th ed. [in Persian]
- Kaveh, Asdollah; and Tahereh Mohammadi. (2017, Spring) "Ravābet-e hend va chin: az Hamkāri-ye eghtesādi tā reghābat-e esterājetic (India-China Relations: From Economic Cooperation to Strategic Competition)," *Faslnāmeḥ-ye siyāsāt-e khārejī (Journal of Foreign Policy)* 32, 1: 163-196. Available at: http://fp.ipisjournals.ir/article_33102.html (Accessed 25 January 2021). [in Persian]
- Khalesi, Golnar; and Khosro Pirāee . (2016) "Rābeteh-e rosht-e eghtesādi va nā'barābari-ye darāmad bein-ve ostān'hā-ye irān (The Relationship between Economic Growth and Income Inequality in Iran's Provinces)," *Faslnāmeḥ-ye Pajohesh'ha-ye eghtesādi irān (Iranian Journal of Economic Research)* 16, 2: 155-172. Available at: <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-9675-fa.html> (Accessed 30 March 2021). [in Persian]
- Mazloun Khorasani, Mohammad; and Mozgan Azimi Hashemi. (2012) "Tosēh va nā'barābari'hā-ye ejtemā'i dar hend (Development and Social Inequalities in India)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e Jahān (World Studies Quarterly)* 1, 2: 7-48. <DOI:10.22059/iwsq.2012.24779>. [in Persian]
- Moini-far, Heshmatolasadat. (2012, Spring) "Bar'resi-ve rishe'hā-ve nezām-e cast dar hend (Investigation of the Roots of the Caste System in India)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e shebhe'ghāreh (Journal of Subcontinent Research)* 4, 10: 91-108, <DOI:10.22111/jsr.2012.830>. [in Persian]

- Nazeman, Hamid; and Ali Reza Eslamifar. (2010) "Eghtesād-e dāneshi-ve hend, olgoi barāve toseh-ve pāidār dar Irān (India's Knowledge based Economy: A Model of Sustainable Development for Iran)," *Fasl-nāmeḥ-ye motāleāt-e shebhe'ghāreh (Journal of Subcontinent Research)* 2, 3: 145-169, <DOI:10.22111/jsr.2010.393>. [in Persian]
- OECD. (2021) *OECD Economic Outlook, Interim Report March 2021*. Available at: https://www.oecd-ilibrary.org/economics/oecd-economic-outlook_16097408 (Accessed 12 January 2021).
- Piketty, Thomas; and Imanuel Saez. (2003) "Income Inequality in the United States 1913-1998," *Quarterly Journal of Economics* 118, 1: 1-41. Available at: <https://eml.berkeley.edu/~saez/pikettyqje.pdf> (Accessed 21 December 2020).
- Sadeghi, Hossein, et al. (2009) "Rābete-ve roshd-e eghtesādi bā faghr va nā'barābari darāmad dar keshvar'hā-ve dar hāl-e toseh (The Relationship between Economic Growth and Poverty-Inequality in Developing Countries)," (*Social Welfare Quarterly*) 8, 33: 27-44. Available at: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1856-fa.html> (Accessed 27 February 2021). [in Persian]
- Seida, Ashish; and Nazia Iqbal Hashmi. (2016) "Rising Inequality in Shining India," *International Research Journal of Finance and Economics* 150, 1: 7-15. Available at: <https://ssrn.com/abstract=3140047> (Accessed 7 November 2020).
- Shafiee, Nozar. (2017) "Hamkāri-e āmricā va hend dar bāzi-ye bozorg-e ghodrat dar āsiyā-ve markazi (Consolidation of US and India in the Great Game of Power in Central Asia)," *Motāleāt-e orāsiyā-ve markazī (Central Eurasia Studies)* 10, 1: 101-116, <DOI:10.22059/jcep.2017.62902>. [in Persian]
- Sharma, Rajesh; and Suman Dahiya. (2019) "Linkage between Financial Development and Income Inequality in India," *Journal of Economic Structures* 1-12, <DOI:10.21203/rs.3.rs-64122/v1>.
- Tumin, Melvin Marvin. (2014) *Jāme'eh'shenāsi-ye gheshr'bandi va nā'barābari'hā-ye ejtemā'i: sorat'hā va kārkar'd'hā-ye nā'barābari (Sociology of Stratification and Social Inequalities: The Forms and Functions of Inequality)*, trans. Abdol Hossein Nikgozar. Tehran: Totia. [in Persian]
- UNCTAD. (2021) *World Investment Report 2020*. Available at: https://unctad.org/system/files/official-document/wir2020_en.pdf (Accessed 18 November 2021).
- Weber, Max. (2005) *Religion, Power, Society*, trans. Ahmad Tadin. Tehran: Hermes, 2nd ed. [in Persian]
- World Bank. (2018) *Gini Index World Bank Estimate*. Available at: <http://iresearch.worldbank.org/PovcalNet/index.htm> (Accessed 11 February 2021).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.